باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ٤٢٦٨

رده‌بندی دیویی: ٦١٤/٥٩٩٢ الف ٣٤٦ ت ١٣١١

سرشناسه: ادیب الحکما، سلیم

عنوان قراردادی:

عنوان: تدبیر الحوامل

کاتب: علی‌اکبر طالقانی   تاریخ کتابت:

محل نشر: تهران   ناشر: مطبعه میرزا حبیب‌الله   تاریخ نشر: ١٣١١ ق.

صفحه شمار: ٥٧ ص.   مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی   ابعاد: ١٥×٢١   نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☑ ارسالی☐

توضیحات: خریداری   تاریخ ثبت: ۱۳۲۷

یادداشتها: دارای پانویس توضیحی

موضوع(ها): ۱. آبستنی - بهداشت.

شناسه(های) افزوده: الف. طالقانی، علی‌اکبر، کاتب. ب. عنوان.

فهرستنگار: تاریخ فهرستنگاری: اردیبهشت ۸۹

٥٨٦٧
٦١٤
٥٩٩٢/
الف
٣٤٦
ت
١٣١١
٦١٢/
٣
الف

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی ـ اداره مخطوطات

شماره ثبت: ٤٢٦٨	
رده‌بندی دیویی: ۶۱۴٫۵۹۹۲ الف ۳۴۶ ت ۱۳۱۱	
سرشناسه: ادیب الحکما، سلیم	
عنوان قراردادی:	
عنوان: تدبیر الحوامل	
کاتب: علی اکبر طالقانی	تاریخ کتابت:
محل نشر: تهران ناشر: مطبعه میرزا حبیب الله	تاریخ نشر: ۱۳۱۱ ق.
صفحه شمار: ۵۷ ص.	مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐
زبان: فارسی ابعاد: ۲۱×۱۵	نوع خط: نسخ
روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☑ ارسالی☐	
توضیحات: خریداری	تاریخ ثبت: ۱۳۲۷
یادداشتها: دارای پانویس توضیحی	
موضوع(ها): ۱. آبستنی ـ بهداشت.	
شناسه(های) افزوده: الف. طالقانی، علی اکبر، کاتب. ب. عنوان.	
فهرستنگار:	تاریخ فهرستنگاری: اردیبهشت ۸۹

۶/۲/۶۳
ت ۶۳۴۳ الف

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب تدبیر الحوامل فارسی
~~مصنف~~ مؤلف محمد سلیم قراباغی
~~خطی~~ چاپی سنگی نخ تهران
سال چاپ یا تحریر ۱۳۱۱ ق عدد اوراق ۷۵
جزء کتب طب شماره
شماره عمومی ۱۲۸۵۱ شماره قبض
واقف خریداری آستان قدس تاریخ وقف ابان ۱۳۲۷
طول ۲۱ عرض ۱۵ گنجه

۲۰/۱۲/۶۹

شماره ثبت ۴۳۶۸

۱۰ ریال

۳۲

هذا کتاب تدبیر الحوامل

للسلیم المتطبب الجوانشیر القراباغی

عفی الله عنه

طبع ثانوی اینکتاب منحصر باجازه مولف است

قیمت سه قران و دهشاهی

در دار الخلافه طهران صانها الله عن الحدثان
در مطبعه عالیجاه آقا میرزا حبیب الله
بحلیه طبع رسید فی سنه ۱۳۱۱

فهرست کتاب

	صفحه
مقدمه کتاب	۵
امور ضروریه صحت	۶
حرکت و سکون	۶
مسکن و هوا	۷
ملبوس (رخت و پوشاک)	۱۰
غذا (قوت و خوراک)	۱۱
تغسیل و استحمام (شست و شو)	۱۳
جماع	۱۴
مقاله اول در عوارضات مؤثره در وجود حامله	۱۵
فقدان شهوت و نفرت از بعضی اغذیه (نفرت)	۱۵
وحم (ویار) (برکلمک) و فساد شهوت	۱۶
غثیان	۱۹
قی	۲۰
سیلان بزاق (لیاق) (جاری شدن اب دهان)	۲۵

سیلان

سیلان رطوبت مهبلی ۲۶

یبوست و قبض شکم ۲۷

بواسیر ۲۹

فصل در خصوص مسلم شدن حکم شرع شریف پیش قاطبهٔ حکما
و بیان اغذیه و خواب و تفصیل حالات آن ۳۱

دوالی ۳۲

تهیج ۳۲

امتلاء الدم ۳۳

مقالهٔ دویم در بیان عوارضات ایام حمل که بواسطهٔ آنها بصحت جنین
ضرر میرسد یا اینکه موجب نقص و سقط و هلاکت او میشود ۳۵

صدمه بر شکم حامله و السقوط علی المقعده ۳۵

سقط جنین ۳۶

غلبهٔ خون مادر در مضرت حالت جنین ۳۹

تاثیرات علل بعد الحمل حامله در وجود جنین ۴۱

تاثیرات علل قبل الحمل فی وجود الجنین ۴۱

خاتمة الکتاب در بیان انفعالات نفسانی ۴۴

حالت سرقت و اختلاس نسوان حامله ۴۴

اختلال حواس و مشاعر معروف بجنون حملی ۴۴

تاثیر انفعالات امّ در وجود جنین ۴۵

عقیدهٔ مؤلف ۴۶

تفصیل بچهٔ عجیب الخلقه و تصویر آن ۴۹

بیانات دانشمندان علم فزیولوژی ۵۴

تحقیقات مورخین تاریخ طبیعی ۵۵

جهت نوشتن ارشاد قوابل ۵۶

عنوان التوحید والتحمید

الحمد لله الذی خلق آبائنا من سلالة طین وصورها علی صورته
ونفخ فیه روحه وشعفه من جنسه ثم انزلنا بنطفةٍ فی قرارٍ
مکین وجعلها علقة ثم جعلها مضغة فجعلها عظاماً
ثم کسیها لحماً طریا فصعدنا بقلب سلیم

فتبارک الله احسن الخالقین

عنوان التصلیة والتسلیم

الصلوة والسلام علی غایة الثری والثریا المقصود من الایجاد
والابداء محمد واله الاتقیاء سیما ابن عمه علی المرتضی

سبب تالیف کتاب

چون بواسطهٔ نبودن طبیب زنانه و تالیف نشدن کتابی

برای تدابیر زنان حامله در ممالک محروسهٔ ایران خواتین محترمه
مخصوصاً مخدرات انها در زمان حمل از ابتدای تکوین جنین
تا موقع وضع حمل کاهی از صدمات بارکران حمل وکاهی
از تدابیر باطله هرجاهل بی تجربه و قابلهٔ عجوزه مبتلای زحمت
وکرفتار مرارت میباشند این بندهٔ بیمقدار محمد سلیم
ابن العالم العامل المرحوم محمد صفی الجوانشیر القراباغی
محض خدمت بابنای ملت واهالی مملکت واداء مراسم
انسانیت در سال فرخنده فال ۱۳۱۱ هجری مطابق سال
چهل وهفتم جلوس میمنت مانوس بندکان اعلیحضرت
قدرقدرت اسمان حشمت وخورشید جلالت وفلک
رفعت شهریار افخم شاهنشاه معظم السلطان بن
السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان
الصاحبقران **ناصر الدین** شاه قاجار لازال النصرة
جیشه من عند الله مؤیدا واساس ملکه من فضل الله مشید

در عهد وزارت علوم و معارف جناب جلالتمآب اجل
اکرم علیقلیخان مخبر الدوله وزیر علوم
از توجهات کافیه بندگان ولی النعم الکفیل بالکرم
اولی العزم و الهمم صاحب السیف و القلم جناب جلالتمآب
اجل امیر الامراء العظام آقای نصر السلطنه امیر تومان
وزیر مسکوکات کل ممالک محروسه ایران اعنی محمد
ولیخان ادام الله ایام اقباله و اجلاله این رساله موسوم
بتدبیر الحوامل را تالیف نمود امیدوار است مطبوع
طبع اساتید عظام و معمول به خاص و عام گشته در
صفحه روزگار از این جان نثار بیادگار باقی بماند

الله اسئل ان ینفع به المطالع — و یفیض لمن واجهه حسن الطالع
علیه توکلت و به استعین — فهو حسبی و نعم المعین

قبل از شروع بمطلب بعرض مطالعه کنندگان گرامی میرساند
هر لفظ و یا کلامیکه محتاج بشرح و توضیح باشد یک رقم
از ارقام اعداد هندسه میان دو خط هلالی در پهلوی
چپ همان لفظ و یا اخر آن کلام لازم التوضیح رقم نمود (۱)
مطابق همان رقم در اخر صفحه در تحت خط عرضی با قلم
ریز متعرض شرح و توضیح آن خواهیم شد و هر جملهٔ که در
بین سطور ایضاً در وسط دو خط هلالی نوشته بشود (استطور مثلاً)
دلیل بر این است که آن جملهٔ معترضه و خارج از ما نحن
فیه است محض بصیرت و اقتضای مقام ذکر شده و یا
اینکه توضیح ما قبل خودش است
و هر لفظ ترکی که مصطلح و معمول زبان فارس است و یا
اینکه استطراداً ذکر خواهد شد محض تعیین لغت تاء ممدود
که حرف اول لفظ ترک است روی آن لفظ خواهیم گذاشت

(۱) محض توضیح عرض میشود که اگر در یکسطر یا در یکصفحه تمام نشد در چند سطر یا در ذیل چند صفحه نوشته خواهد شد

مقدمه

درین رساله بیان میکنیم بعضی از قانون صحت وتدبیر حمل واسباب وعلامات امراض حامله وعلاج آن را که در واقع عمل ومراعات آنها هم موجب صحت ونجات مادر است وهم باعث تکمیل خلقت جنین وسهولت تولید آن

چنانچه مؤسس اساس فن جلیل طب بقراط میگوید که جنین در رحم مادر تعلق تامی دارد با حیات آن یعنی در حالت صحت آن صحیح است وبواسطهٔ علت آن علیل وهکذا در زمان حالیه احدی از معظم اطبای معاصر واساتید ماهر را سراغ نداریم منکر این مسئله باشد که اکثر علل حوامل سبب ابتلای جنین میشود بلکه اعتقادشان بر این است که اغلب امراض وعلل نسوان حامله باعث سقم ونقص جنین بلکه موجب سقط وهلاکت آن میباشد

پس زنان حامله را است که هرچه تمام تر اهتمام نمایند بر

امور صحیه خود شان وبجا بیاورند تدابیر مخصوصه بجمل ووسایل مستعملهٔ در این حالت را تا اینکه بدون نقص و خطر برسند بثمر رحم خود شان

امورات ضروریه صحت

(۱) حرکت وسکون

زن آبستن نباید بمحض ترس از سقط وغیره خود را در خانه حبس ومعطل کند بلکه انسب است که حتی الامکان بجهة گردش وتفرج بیرون نها برود علی الخصوص اوقاتیکه فصل معتدل وهوا خوش وملایم باشد وهرگز از کار کردن توی خانهٔ خود مضایقه نکند بلکه علی الاتصال مشغول کارهای شخصی وخانه داری خود باشد مگر اوقاتیکه نزف الدم ویا درد شکم عارض بشود خاصه بجهة زنیکه پیشترها سقط کرده باشد در اینصورت راه رفتن وحرکت کردن صحیح نیست

بواسطه نشستن وحرکت نکردن چندین حالت بجهة حوامل دست میدهد اولاً اینکه عضلات از قوت افتاده هنگام زائیدن از اخراج جنین عجز بهم رسانند ثانیاً اینکه پاهایشان نفخ و هیتج می آورد ثالثاً باعث بروز بواسیر واحداث یبوست مزاج میشود ویبوست مزاج طولانی هم یکی از اسباب سقط جنین است
لمؤلفه

بجهة حوامل تا ماه چهارم اجتناب از هرگونه حرکات
عنیفه وافعال شاقه لازم است مانند جستن و
رقصیدن وحمل اثقال ومسافرت بعید ومسالک
صعبه سیما با مرکب های ناراحت وکالسکه های
تندرو وغیره

اینهمه سفارشات واحتیاطات ما در حق خانم های
مرفه الحال وخواتین فارغ البال وطالب آرایش
جمال وغیرها است نه درباره آنهائیکه دائم درصدد
خانه داری ویاپی زندگانی خود وراحتی اولاد وشوهرند
بعلة اینکه آنها بواسطهٔ عادت بحمل اثقال واعمال یدی و
غیره اغلب از خطرات اینگونه حرکات محفوظ ومعفوند

(۲) مسکن وهوا

مناسب حال زنان حامله آنست که حتی الامکان در
بالاخانه های باصفا ومنزلها رفیع البنا سکونت اختیار

نمایند تا اینکه نسیم بیدن آنها بخورد وروشنائی آفتاب
بتن ایشان بتابد

یکی از حکمای طبیعی میگوید که قوی ترین اولاد از حیثیت
بنیه ومزاج ومقبولترین آنها از حیثیت صورت واندام
آنهائی هستند که در خارج شهر زائیده شده باشند خاصه
در جائیکه خوش آب وهوا ودر سرزمین های باروح و
صفا بجهة اینکه مادر حکم درخت میوه را دارد هر آن درختیکه
در معرض هوا وتابش آفتاب واقع باشد هرآینه دارای
میوهٔ درشت ورنگین خیلی خوب خواهد شد برعکس
درختیکه در شکاف جبال ودر گودی دره واقع شده
باشد که نه هوا بروی خورد ونه آفتاب براو تابد در اینصورت
هرگز مثمر ثمر ماکول نخواهد شد

حقیقت همین طور است بعلة اینکه انسان نیز بجهة این
خلق شده است که مثل مورچه عدهٔ از آحاد آنها در سوراخ

تنکی جمع شده پایمال همدیکر بشوند بلکه باید هر کدام از انها تا بانفراده وسعتی از زمین وفضایی از هوا را دارا باشند که تنفس همدیکر موجب تسمیم یکدیکر نباشد

پس درا ینصورت بر زن ابستن است که اجتناب کند از منزلهای تنك وتاریك باازدحام چنانچه اکثر اوقات بتجربه شده است وقتیکه زن ابستن مدتی در مجالس موصوفه (مانند حمّام و مسجد ومجلسهای روضه خوانی وسایر مجالس عمومی زنانه) مکث نماید جنین از حرکت می ایستد بلکه کاهی سقط میشود

بجهة هر کدام از زنان حامله ممکن است که بتجربهٔ فوق را امتحان کنند باینکه چند دقیقه حبس نفس نماید فورًا میفهمد که جنین در شکمش مضطرب شد سبب اینحالت نیست مکر اینکه هوای صاف که اصل مادهٔ حیاتست استنشاق نمیشود لابدًا انوقت جنین از ترس اختناق حالت تململ (بیقراری) پیدا می کند

وهمین حکم را دارند امکنهٔ بدآب وهوائیکه اسباب نوبه در انجاها تولید میشود مانند بطایح (کنارابهای راکد وحول وحوش مردابها) واراضی نزّه (زمینهای نمناك) وآجام (لش زمینهای نی زار) ومزارع شلتوك وغیره علاوه ازانکه اینکونه سرزمین ها بحالت حامله وصحت جنین مناسب نیست کاهی موجب عُقم زنان هم میشود (ازجملهٔ مسائل مسلّمه کتب عنن وعقم است وقتیکه زن ویا مرد متوطّن امکنه میاسمی (۱) مبتلای عنن وعقم شوند درصورتیکه ذاتًا وعرضًا در آلات تناسل ونطفهٔ انها عیب ونقصی مشهود نباشد همینکه نقل مکان وتبدیل اب وهوا کنند علّة انها برطرف میشود)

(۳) ملبوس (رخت وپوشاك)

لباس زنان حامله باید بحدّی کشاد باشد که وقت تنفّس

---

(۱) بخاراتی را میگویند که از بطایح واراضی نزّه واجام بعمل امده باشد

سینه و تنه را نفشارد و هرگز محض تقلید زنهای فرنگی
پستان بند و کمربند نبندند گذشته از اینکه با حالت
حمل صحیح نیست در غیر حالت حمل هم موجب امراض خطیره
میشوند و اگر چنانچه سابقاً عادت به بستن آنها داشته
باشد اوّلاً اینکه از پارچهٔ کشدار ترتیب بدهند ثانیاً اینکه
فی الجمله شل و سُست ببندند نه قرص ثالثاً و بند شلوار
را از چیز نازک قرار دهند و مادامیکه توی خانه لباس
جمع و چسب نمیپوشد و با اینکه بعلّة بالا آمدن شکم اصلاً
لباس روی شکم نمی‌چسبد باید با دستمال نازکی روی شکم
را ببندند که هوای سرد بشکم نخورد

(۴) غذا (خوراك)

لازم نکرده است که زن با بستن محض حمل غذای عادی
خود را تغییر دهد مگر هنگامیکه ضعف و اختلالی بواسطهٔ
حمل در آلات هضم پیدا شود مانند قی و غثیان و حالت

وحم (ویار) (یرکلمك) وغیره وغیره از عوارضات
متعارفی حوامل در اینصورت باید اقتضای میل و معده
هر دو را ملاحظه نمود امّا وقتیکه مانع موجود نباشد
باید حتّی المقدور غذای خوب و مقوّی تناول نماید (هرگز
گوشت را بدون سبزی آلات نخورد) و محض ملاحظهٔ
حال معده و غلبهٔ حرارت چیزهای حادّ و تند و ادویه
دار و مشروبات محرّکه استعمال نماید که مبادا دوران خون
هیجان نماید موجب عِظَم قُطر جنین و ضخامت جسد او
و سبب امتلای رحم و ضغطهٔ جنین شود خاصّه زنهائیکه
بواسطهٔ تنگی فضای حوض خاصره (۱) و یا بموجب رشتی بدن

(۱) در بدن انسانی چهار جوف است یکی جوف جمجمه که مغز بزرك و کوچك و بصل نخاع در
او است دوم جوف الصدر که قفس سینه هم مینامند دل و شش و اصول الشرایین و قصبة الریه در او است سیم جوف البطن
که معده و روده و جگر و زهره و کلیه و طحال و غیره در او است چهارم جوف خاصره که لگن و حوض هم مینامند
الآت تناسل مانند رحم و بیضتین و مجاری فلاپی اناث و مجرای منی مخزن در ذکور و روده مستقیم صنف منکند و مثانه هر دو در او

جنین و یا بواسطهٔ تنگی فضای قوس زیر زهار (۱) وقت وضع
حمل مبتلا بعسرت ولادت و محتاج باستعمال اسباب و آلات
قابلگی بوده اند در اینصورت تکلیف آنها تقلیل غذاست و
اجتناب از مسمنات مانند حلویات و دهنیات و اغذیهٔ نشاسته
(۲) و ترک راحت و غیره

(۵) تغسیل و استحمام (شست و شو)

اگر عادت زن حامله در غیر حالت حمل براین بود که زود زود
استحمام و شست و شو میکرد بهتر آنست که تا ماه پنجم
کمتر کند و در بین ماه ششم هم احتیاط کند علی الخصوص مدت
مکث حمام را خیلی کم نماید (یعنی وقتیکه قبل از طلوع آفتاب
بحمام رفته نهار را در آنجا صرف نموده چند دفعه قلیان میل فرموده
با خواهرها و خواهرخواندها وداع کرده عصر از حمام بمنزل تشریف بیاورد)

(۱) چون دو شاخهٔ عظم عانه بواسطهٔ غضروف لیفیه بیکدیگر پیوسته بعد دل میکنند تا شاخه‌های عظم ورک متصل شود فضای مثلثی تعمل مینماید که برخی از آلات بول و تناسل را محل است و برخی دیگر معبر و مخرج تسهیل وضع جنین خلاق عالم مال اناث را نسبت بذکور وسیع‌تر خلق کرده است در اصطلاح مترجمین انفضا قوس زیر زهار نامند (۲) مانند نشاسته و آرد و سیب زمینی و غیره و هر آنچه از آنها ترتیب داده میشود

زنهائیکه اول حملشان باشد و یا اینکه حالت سقط و ضعف
مزاج داشته باشند باید خیلی احتیاط از تکرار حمام و از مکث
طولانی آن نمایند خاصه که صحن حمام گرم و آبش داغ و فضایش
تنگ و خودش جدید البنا باشد زیرا که اینها از قوی ترین
اسباب سقط اند اگر مقصود از حمام شست و شو و نظافت
باشد بهتر آنست که بواسطهٔ آب گرم یکه وقت گرم کردن کمی
سبوس و خطمی داخل آن نموده باشند توی مغطس (۱)
ریخته مدت ده دقیقه توی آن رفته شست و شو نماید
بخوبی چرک بدن را پاک میکند اینگونه حمام هرگز ضرر و خطری
ندارد اگرچه در ماه پنجم هم باشد اما بعد از ماه ششم استحمام
چندان احتیاطی ندارد

(۶) جماع

بعضی از اطبای مجرب جماع را مضر حالت حمل میدانند بعلة

(۱) ظرف وسیع پر از آبرا میگویند که خزینهٔ حمام نداده در توی آن رفته شست و شو نمایند

اینکه بسا موجب سقط میشود دلیلش هم واضح است ولی
ازانجائیکه اصل تالیف این رساله بجهة مخدرات عفیفه
است فلهذا نخواستیم منافی ادب تفصیلی دراینجا ذکر کرده
باشیم که مانع درمرور ومطالعه آنها دراین رساله باشد
پس هرکس طالب تفصیل اینمسئله باشد از طبیب خانواده
خود تحقیق نماید نهایت بطور اجمال عرض میشود که هرزنی
که یکدفعه سقط کرده باشد بشوهر او لازم است که در
زمان حمل بعد از سقط تا ماه پنجم ترک مقاربت کند

عوارض حمل دو گونه میباشد یکی مؤثره در وجود حامله دیگری در وجود جنین فلهذا آنها را در دو مقاله بیان میکنیم

مقاله اول در بیان عوارض مؤثره در وجود حامله

(۱) فقدان شهوت ونفرت از بعضی اغذیه (نفرز)
(ایرنمك) اول چیزیکه زنان جوان درحالت حمل شکایت

ازان میکنند کم اشتهائی نسبت بکلیة غذا ونفرت از
بعضی آنها است حتی از رؤیت واستشمام رائحهٔ طبخ متنفر
میشوند خاصه از بوی طبخ گوشت که بغایت متنفرند و
میل میکنند ببعضی چیزهای حاد وتند وترشی آلات و
افشره جات ومیوه جات وانچه چندان معمول ومعتاد
نیست دراینصورت باید هرچه ضرر بصحت آن ندارد مضایقه
نکنند واز مضایقه وممانعت مضرات صدمه بر حال آنها
وارد نمی آید

(۲) وحم (ویار) (برکلمك) وفساد شهوت

یکقسمی از امراض عصبانیه عارض معده میشود که عبارت
است از فساد قوه ذایقه چنانچه حوامل از روی میل بعوض
غذا میخورند مواد غیرمستعمله اگر دارای فی الجمله اصول غذائی
هستند وبا چیزهای که دارای مواد غذائی نیستند وهیچ
مشابهت با بدن ندارند واول را وحم نامند ودویم را فساد شهوت

اینحالت تنها بحوامل اختصاص ندارد ودر طب هم قلیل الاتفاق
نیستند کمتر طبیبی است که اطفال ودختران مبتلا بکلوزز
(کم خونی وبی رنکی) را ندیده باشند که زغال وکچ وخاکستر
وفلفل ونمک را روزی از دو وسه مثقال تا دویست
مثقال میخورند

اکر بخواهیم تمام میلهای عجیب وغریب خواهشهائیکه در این
مریضها مشاهده شده ذکر کنیم اینمختصر کنجایش تفصیل انهارا
ندارد همین قدر معلوم باشد که فساد قوه ذائقه همین طور
که در جامدات دیده میشود در مایعات (مانند بول وسرکه
ومرکب وغیره) نیز دیده میشود اما میل انها باشیاء مکروهه
وبشعه (مانند شپش وبراز ومورچه وغیره) کمتر است
ممکن است مقدار مواد غیر متداوله که مریضها میخورند چنانچه
ذکر نمودیم زیاد باشد با وجود این از خوردن انها در زحمت
وعذاب نیستند ولیکن اکثر انهارا قی واسهال عارض میشود

۴۳۶۸

اکرچه زیاد مشتاق به بعضی از ماکولات هستند ولی عموما
وقتیکه خواهش انها بعمل نیامد اتفاقی (مثل زاغی شدن چشم
جنین) نمی افتد وهیچ تغییری در حالت انها ظاهر نمیشود
اما بعضی برعکس در چنین حالتی مبتلا بقلق واضطراب
وبحالت غبا وخستکی میشوند

اینمرض در زنان حامله در دو سه وچهار ماه اول ایام حمل
دیده میشود وممکن است تا زمان وضع حمل دوام داشته
باشد واینمرض در زنان حامله از امراض خطیره نیست

علاج تا ممکن است باید مریض را منع نمود از خوردن
چیزهائیکه غذائیت ندارند ونیز کاهی از داخل کردن ادویه
بشعه که اسباب نفرت انها میشود مانند انقوزه وغیره
بچیزهائیکه زیاد میل دارند منفعت کلی دیده شده بسیار مشکل
که بتوان بر میل مفرطیکه زنهای حامله دارند غلبه کرد
انهارا ممانعت نمود زیرا که هرچه تجویز کنند پی روی نمیکنند

پس باید سعی کرد و انها را مشغول بلهو و لعب نمود بعضی
از اطبا غذای انها را هر دفعه عوض میکنند و اغذیهٔ
مختلفهٔ مناسبه بانها میدهند که شاید در این بین
یکی از اغذیهٔ مناسبه میل پیدا کنند بالاخره باید
صبر کرد و با انها با مدارا و مسامحه رفتار نمود و بشدّت
انها را از میل منع نکرد مگر وقتیکه خوردن چیزهائیکه
باین شدّت دوست میدارند بخواهد انها را از
حالت صحت منحرف نماید امّا دختران مبتلا بکلرز
بواسطه استعمال اصلاح اهنی بسهولت از این مرض استخلاص
می یابند

(۳) غثیان

گاهی غثیان موجب زحمت و اذیت زنان حامله میشود
بنوعیکه علی الدّوام مایل قی کردن هستند و غذا در
معدهٔ انها ترش میشود گاهی این حالت بدرجهٔ با تدابیر

طبّی مقاومت مینماید که طبیب از چاره و علاج ان عجز
بهم رساند

علاج گاهی بواسطه تدابیر جزئیه مانند شربتهای
ترش و شیرین و اب نعناع و عرقان و ابهای غازدار
مانند لیموناد و اب سیفون و ابهای معدنی معروف
و اب لیموی ترش و تازه و یا اینکه در هر دو ساعت فاصله
چهار قطره طنطوریُد (بعد از ماه چهارم استعمال داخلی
طنطوریُد در حوامل احتیاط دارد) و دو قطره لودانم
را داخل یکفنجان شربت قند نموده میل نماید تخفیف
کلّی میدهد

اگر با تدابیر فوق رفع نشد باید ادویهٔ ضدّ قی که در مبحث
اتیه ذکر خواهد شد دفع او را نمود

(۴) قی

از انجائیکه این رساله گنجایش ذکر تمام انواع و مقدار و هنگام

قی های زنان حامله را ندارد همین قدر میگوئیم که کمتر زنان حامله
هستند که مبتلای اینحالت نباشند امّا اغلب انهائیکه در
حمل اول مبتلا میشوند دیگر دچار اینحالت نمیشوند ندرتًا
دیده شده است که عروض ان در ساعت اوّل لقح (ابستنی)
اتفاق یافته امّا اکثر عروض ان بعد از روز یازدهم واخر
ماه اول حمل میشود تا ماه دوّیم وسیّم وچهارم امتداد
یافته بعد از ان تدریجًا رو با نتقاص گذاشته تا اخر حمل
موقوف میشود وگاهی ندرتًا تا زمان وضع حمل طول
میکشد

قی در زنان حامله بعضی وقت بحدّی شدید ومتواتر و
طولانی میشود که اگر معالجه وسقط موافقت نکنند بعضی
از قوه وقدرت رفته درحالت هلاکت می افتد

مخفی نماند که اگر اشتداد اینحالت بعد از ماه چهارم ویا
اینکه ابتدای عروضش بعد از ان باشد باید قبل از همه

تدابیر اینحالت رحم اطمینان پیدا گردد زیرا که گاهی دیده شده
است که سر جنین سنگینی کرده رحم را بطرف تقعیر
عجز برده بمجرّد اینکه با تدابیر صحیحه رحم را ازان گیر دار
خلاص کرده در محلّ طبیعی خود قرار داده اند فورًا قی موقوف
شده

علاج گاهی ممکن است که تخفیف قی بواسطهٔ تدابیریکه
بجهة غثیان ذکر کردیم بعمل اید واگر با انها ساکت نشد
باید یکی یکی تمام تدابیر ضدّ قی را که ذیلًا ذکر میشود بعمل اورد
هرکدام منفعت داد چند روزی مداومت نمود واگر بعد
از چند روز اثر افتاد یکی دیگر را استعمال نماید
گاهی هم ادویهٔ مره وسایر معالجات سوء هضم عصبانی
وبرخی ادویهٔ ضدّ تشنّج معمول ومفیدند

نسخ تدابیر ضدّ قی

(۱) بی کربنات دوسود (دوای جوش شیرین) یکمثقال

اسپید طرطریك (جوهر اب غوره) نیم مثقال هر کدام را در ظرف
علیحده داخل دو استکان اب نموده ساعتی یکقاشق اش خوری
از محلول قلیائی و پشت سران بدون فاصله یکقاشق از محلول
ترش میل نماید که در معده مخلوط شده تولید اروغ نماید

(۲) مخلوطی از شیر کاو و اب سدلیز بترتیب داده هر ساعتی
یکفنجان را با یخ سرد کرده با قلم و یا نی میل نماید بنوعیکه سردی
مخلوط مشروب بلبها اثر نکند که موجب تحریك میشود

(۳) پپسین (جوهریست که از معدهٔ حیوانات میگیرند)
پنج نخود سه قسمت نموده در هر هشت ساعت یکقسمت را
داخل یکفنجان اب گوشت سرد بی چربی نموده میل نماید

(۴) در هر یکدو ساعت ده و یا نزده قطره روم بروی یکحب
قند چکانده میل نماید

(۵) ساعتی یکدو قلیان و یا سیقار بکشد

(۶) طنطوریدر در هر دو ساعت چهار قطره داخل یکفنجان

شربت قند سرد نموده میل نماید (استعمال داخلی طنطوریدر
بعد از ماه چهارم حمل جایز نیست)

(۷) اطربطور بخور بروی شکم (از ناف ببالا اثر) و بروی
مهرهای پشت پنج الی ده دقیقه تبخیر نموده بعد غذای
مریضه را بدهند

چون از خودش فرار است اگر در شیشه اش را برداشته بزیر عضو بگیرند تبخیر بعمل می اید

(۸) (حقنه) پنج نخود کلرال هیدراتی داخل یکپیاله اب
نموده اماله نماید

(۹) (طلایه) چهار نخود تریاك را با انقدر عصارهٔ بلادن
داخل یکمثقال کره کاکاهو (زبدجوز الهند) نموده بروی
شکم بمالند

(۱۰) (تزریق) یکدو سانطی گرم کلرهیدرات دو مرفین را
در یک گرم اب نیم گرم حل نموده بواسطهٔ انژکسیون تحت الجلد
زرق نمایند

(۱۱) عرق شراب شانزده مثقال عرق بیدمشك دو استکان

با قند شیرین کرده در هر چهار و یا پنج ساعت فاصله ربع مقدار
مخلوط را با یخ و یا برف سرد کرده با قلم و یا نی بنوشد
وقتیکه مرض مزمن شده با تدابیر طبی مقاومت نکرد و مریضه
هرچه خورد قی کند ولو اینکه یکجرعه آب باشد تکلیف طبیب
معالج اسقاط جنین است فقط در صورتیکه ظن متاخم بعلم
داشته باشد که مریضه بواسطهٔ نزف الدم سقط و غیره تلف
نخواهد شد

(۵) سیلان بزاق (تفل) (جاری شدن آب دهان)

اینمرض در بعضی زنان حامله در ماههای اول حمل عارض شده
رطوبت رقیق مدامی سیلان میکند و عموماً بی طعم و بو است
گاهی ندرتاً طعم عفص (دبش) و بوی متعفن بهم رسانده و کف
آلود میشود و این رطوبات قدری بلع میشود و قدری از دهان
خارج گردد چون هنگام خواب دهانشانرا نمی بندند داخل
معده میشود و اگر رطوبت زیاد شد پیچ گلو را گرفته قدری

داخل حلقوم (نفس گاه) گردیده حالت اختناق دست داده
مریضه را از خواب بیدار میکند

رفتار و امتداد اینمرض در حوامل از یکهفته تا چند
هفته است ندرتاً شدت و امتداد پیدا کرده (شبانه
روزی مقدار رطوبات بیک من تبریز بلکه بیشتر میرسد)
اختلال هضم عارض شده ادرار و عرق کم گشته ضعف
و هزال در مزاج و بدن ظاهر میشود

علاج بعضی ها تجویز کرده اند که مریضه در صورت
خفت مرض یکحب نبات و یا صمغ عربی دهان گرفته
بهوای آنها رطوبت دهان را بلع بکند و در صورت
اشتداد مقدار کمی تریاک میخورانند در هر صورت
خوردن بادام در این مرض خیلی مفید است

(۶) سیلان رطوبت مهبلی

اکثر اوقات از زنان حامله رطوبتی می آید (اینحالت غیر

ازاستسقای رحم حوامل است) که بعضی درغیر حالت حمل
این رطوبت را طمث سفید ویا خون سفید مینامند
واگر اینحالت شدت وامتداد پیدا کند انمی
(قلة ورقت خون) وسوء هضم ودل درد عارض میشود
علامات موضعی همان هیجان عضو وخارش یا زحمت و
درد است سیما وقت ادرار وجماع

علاج گاهی بواسطهٔ تزریق آب سرد ومحلول استات
دوپلمب (شکرسرب) ومطبوخ پوست انار ومازو
تخفیف کلّی دست میدهد درصورت ابرام وازمان
شستن با محلول یك درصد طانین (جوهرمازو) ویا
پاشیدن سوبنیترات دوبسموت (سفیداب فرنگی)
وزرق محلول غلیظ (ا در ۱۰) نیترات دارژان (سنگ جهنم)
ویا داغ عنق رحم با قلم ان معمول است

(۷) یبوست وقبض شکم

اغلب بجهة زنان ابستن یبوست مزاج عارض میشود وحال
اینکه درغیر حالت حمل اینحالت عارض انها نمیشد دراین
صورت سبب یا فلج وضعفی است که عارض امعا شده
ویا اینکه فشار رحم است که بواسطهٔ حمل بر معاء مستقیم
وارد امده

علاج (۱) اماله یك پیاله اب سرد بجهة یکمرتبه
اجابت طبیعت کفایت میکند

(۲) یکقاشق چای خوری بزرگ نمك طعام دومثقال
کره ویا چربی علیحده را داخل یك پیاله اب نیم گرم نموده
اماله نماید (هرگز با اب نیم گرم حمام اماله ننماید)

(۳) چهار مثقال روغن کرچك را داخل یك پیاله مطبوخ
نیم گرم برگ چغندر ویا خطمی نموده اماله نمایند

(۴) یك خوراك سدلیز ویا یك پیاله اب معدنی میل نماید

(۵) بهتر از همهٔ اینها انست که بعد از هر نهار وشام یکدانه

پورتقال بخورد.

(ع) سهلتر از همه مذکورات است که صبح زود بمجرد اینکه از خواب
بیدار شد یک استکان آب سرد بخورد

مخفی نماند که اماله های شیشه و یا برنجی که معمول حالیه است از
یکی از قوی ترین اسبابهای بواسیر است بخصوصه بجهة زنان حامله
که استعداد مخصوصی بجهة بواسیر دارند پس در صورت لزوم
باید اماله فرنگی را استعمال نمایند

(بیان)

گاهی بواسطه حمل رحم فشاری بزیر شکم وروده مستقیم وارد آورد
که موجب دوران خون وریدهای ساق پا (شعب نابض وصافن)
و یا مستقیم میشود که اولیرا دوالی دومیرا بواسیر مینامند اما
اگر در این صورت مائیة آن بزیر جلد پا و یا اسافل اعضا ترشح
نموده ورمی بعمل بیاورد هنبج مینامند

(۲) بواسیر

مثل

قبل از بروز نکسه خون زیادی بجزء اسفل معاء مستقیم میل
نماید و بدین واسطه حس ثقلی در موضع عجز و حرارت و حکه
در مقعده بهم رسد دفع براز عسیر و موجع میشود غالباً همراهی
مینماید با نشر اندکی بلغم رقیق و سفید رنگ
این علامات عموماً از یک الی سه روز است و یا شد که در چند
ساعتی تمام شود و یا اینکه هفته طول بکشد

علاج روز اول که احساس ثقل و حرارت و حکه کرد یک
پیاله آب سرد حقنه نماید روز دوم نیم مثقال زاج سفید را
در یک استکان و نیم آب حل نموده اماله نماید روز سیم همان
مقدار زاج را در دو استکان آب حل نموده اماله نماید یکهفته
بهمان روز سیمی رفتار نماید (در اغلب اشخاص که ابتدا اینطور
رفتار نمایند بواسیر موقوف میشود) اما اگر بواسطه یبوسته
زاج وغیره در اینصورت مسهلی لازم شود باید بعد از خوردن
مسهل وقتیکه احساس اجابت کرد مقداری کمی روغن ملایمی

مانند

مانند روغن بادام وكلسرين وغيره بملايمت تمام بواسطهٔ
اماله فرنكى اماله نمايند كه عند الاجابة براز مدفوعه صدمه
نرساند وبجهة تحليل ورم روغن خاكسترى باعصارهٔ بلادن
طلايه نمايند وبراى اسكات درد واذيت سه ويا چهار شياف
از دو مثقال كره كاكاهو (زبدجوز الهند) وشش نخود بدو فرم
مسحوق وانقد رعصارهٔ بلادن ترتيب داده (خشك نمايند) عند الاحتياج شياف
نمايند

طريقه ساختن شياف چند پارچه كاغذ سه انكشت چسپيده طوله دو انكشت عرض را بشكل بشكل مخروطى پيچيده و دكوشه وكنار از ان بيرون با لاك چسبانند دهنهٔ انها را با پيچى صاف نموده بعد روغن را آب كرده دواها را داخل نموده وهم زده توى قالبها بريزد وقتيكه بسته قالبها باز كرده شيافها را در آورده استعمال نمايند — خوب

بايد حتى الامكان مزاج را بواسطهٔ اغذيهٔ ملين ومناسب نرم
نكهدارد وهر كز روى دوشك ننشيند ووقت خواب بر پشت
ورو نخوابد بلكه اول بطرف راست بخوابد وقتيكه خسته شد
بركردد بطرف چپ وطهارت واستنجا را با آب سرد بعمل آورد
موافق انكه در شرع شريف وارد شده (۱)

(۱) از قديم الايام بعضى ها بدون تاييد باطنى وتحقيق ظاهرى
بلكه محض اقتضاى قياس باطلى معتقد براين بودند كه بپهلوى

(۸) دوالى

عبارت است از اتساع دور و وريدهاى مابض وصافن ساق
پاكه بهمين ملاحظه رنك ان كبودتر از حالت صحت ميشود
علاج معالجه دوالى همان پيچيدن ساق است با نوار
ويا پوشيدن جورابهاى الاستيكى (كشدار) كه على الاتصال
بافى الجمله فشار بمانند تا اينكه وضع حمل نمايد بعد از ان خود بخود
برطرف ميشود

(۹) هيتج

علايم هيتج در زنان حامله برخلاف علايم هيتجات سايرين
وغير حالت حمل نسوان است رنك جلد عضو مهيتج باخته
نميشود وبواسطهٔ فشار چندان عمق خميرى پيدا نميكند

چپ خوابيدن خواصى دارد وهم چنين استنجا با آب سرد
كردن بواسيرها را ضرر ميدانستند بر عكس در شرع شريف
كليه تعريف وتحسين از خوابيدن طرف راست واستنجا

وهرچه عمق پیدا کند فوراً عود میکند بحالت اصلی ووقت
فشار موجع ومولم است وقبل از ماه ششم کمتر اتفاق می افتد

علاج اگر علامات امتلای خون موجود باشد باید فصد
کرد واستمدادات از داخل وبا نوار پیچیدن وروغن خاکستری
طلا کردن ورفادهٔ مبلوله از محلول شکر سرب انداختن
ومالیدن الکل کافوری همهٔ تدابیر مذکوره مفید است در
صورتیکه پاها را بلند نگاه دارد (گاهی فقط بلند نگاه داشتن کفایت میکند)

(۱۰) امتلاء الدّم

گاهی در زنان حامله بواسطهٔ دوران خون وازدیاد بعضی
عنصر (گلبول) وکمیت آن حالتی دست میدهد که همیشه

کردن بواسیرها با آب سرد وارد شده از این طرف بعضی اشخاص سست
عنصر غافل از اینکه تمام اوامر ونواهی شارع علیه السلام مبنی بر مفسدة
ومصلحت واقعی است غایت مافی الباب عقول ناقصه عاجز از درک
علل احکام او هستند قیاسات حکمای قدیمه را دست آویز نموده ایراد وارد

موافقت میکند با حمرت لون وسنگینی سر ودوران وطنین
گوش واحساس حرارت در تمام بدن وقوت ضربان قلب و
عریض وصلب بودن نبض با قلة اشتها واعیا وتنبلی از کار
ومیل مفرط بخواب وسنگینی آن وحمرت رنگ ادرار وسوء
مزاج وگاهی عسرت تنفس وغیره

علاج فصد است وبس

مخفی نماند که گاهی بجهة حوامل حالتی دست میدهد که خیلی
شبیه است بحالت امتلای مذکور بعضیها این حالت را امتلای
کاذب ویا امتلای مصلی نامیده اند اگر میانه این دو امتلا تمییز
نداده در حالت امتلای کاذب خون کم کنند موجب فقر الدّم

کرده اند که این دو حکم شرع مخالف حکمت میباشد وعلمای متشرعه هم محض
اسکات واقناع اینها خودشان را بتکلف انداخته جوابی داده اند چنانکه
متتبعین کتب اسلامیه از این سؤال وجواب وزد وخورد طرفین
مستحضرند چون امروز صحة وواقعیت این دو حکم شرع از روی برهان وجدان

وغلبهٔ عوارضات آن خواهد شد

مقالهٔ دوم

در بیان عوارضات ایام حمل حامله که بواسطهٔ آنها گاهی بصحت جنین ضرر میرسد و یا اینکه موجب نقص و سقط و هلاکت او میشود

(۱) صدمه بر شکم حامله والسقوط علی المقعده

این یکی از مسلمات خاص و عام است که بواسطه ضربه و سقطهٔ واردهٔ بر شکم حامله و یا افتادن آن روی مقعده جنین در شکم مادر هلاک میشود چنانچه وقتیکه جنین شروع بضربان قلب کرد و مادر حرکت جنین را احساس کرد اگر در آن بین یکی

مسلم و معمول به تمام حکما و اطبای دنیا است لازم دانستیم که در اینمورد فی الجمله از فایده و خواص حکم شرع و از مضرت و خطای خلاف آن در اینجا ذکر کنیم ولی از آنجائیکه در اول کتاب در جزء امورات صحت وضع و وقت و مقدار و سایر احکام و خواص خواب را ذکر و بیان نکرده بودیم مجبوریم که

از صدمات فوق بر مادر وارد آید همان ساعت مادر احساس بسکون جنین مینماید و چند روزی نمیگذرد که جنین سقط میشود و اگر احیاناً سقط نشد لابداً بعضی معایب در خلقت و هیئت عضو جنین بعمل میآید مانند نقص و عیب فقرات و اعوجاج سر و صورت و چولاقی دست و پا و غیره

مناسب است که در اینجا فی الجمله از اسباب و علامات عمومی سقط و از تدابیر مخصوصهٔ آن ذکر نموده بعد برویم سر مطلب

سقط جنین اختصاص بهیچ کدام از هنگامات حمل ندارد بلکه باتفاق سبب و استعداد مزاج است

در اینجا فصل مشبعی از حالات کلیهٔ خواب و احکام و خواص او را موافق شرع شریف و حکمت صحیح ذکر نموده بعضی غرایبیکه از شخص نائم بروز میکند استطراداً بیان کنیم

چون خداوند تعالی نوع انسان را مجبور کرده که جهت تحصیل معرفت و معاش

سَبَب اکثر وقوع آن در ماههای اوّل حمل است واغلب بجهة زنان عصبانی مزاج (جوشی) اتفاق می افتد مخصوصًا بواسطهٔ اعراض نفسانی شدیده مانند غیظ وغضب وغیرت وحول وحواس وهیبت وغصهٔ طولانی وحادثهٔ فجائی وسایر اسباب مزاجی وخارجی مانند پوشش عاصی واستحمام طولانی ومجامعت وسواری واعیاء وخستگی وغیره از آنچه که سابقًا در مباحث حفظ صحت وغیره ذکر شد بعمل می آید

عَلامات بعد از حصول یکی از اسباب مذکوره سقط همان طور که در مبحث فوق ذکر کردیم اگر جنین صاحب حیات

ضروری خود در مدت روز مشغول باشد (وجعلنا النهار معاشًا) واز این اشتغال اعیاء وخستگی حاصل میشود خواب شب را راحت قرار داد (وجعلنا نومکم سباتًا واللیل لباسًا) پس هرگز تعب وخستگی انسان رفع نمیشود مگر بواسطهٔ خواب شب نظیر اینکه عوض ما یتحلل بدن بواسطهٔ غذا است همان

وحرکت است حامله احساس بسکون آن نموده بعد زیر شکم وکمر درد آمده شروع بنزف الدم مینماید والّا علامت سقط همان گرفتن درد وآمدن خون است وبس

عَلاج باید بمجرد اینکه یکی از اسباب مسقطهٔ جنین وارد وعلامت مقدمهٔ آن ظاهر شد ترک حرکت نموده سکون واستراحت اختیار کرده تقلیل غذا نماید تا اینکه درد ساکت وخون موقوف بشود واز تمامی موجبات سقط که مکرر در این کتاب ذکر شده اجتناب نماید خاصه از بعضی مقتضیات میل وشهوت ایام وحم (مانند ذغال وگچ وخاک ونمک وغیره) واز آنجائیکه هنگام سقط معین نیست پس

همان طور هم جبران قوای متحلله روز با خواب شب است وبس

در اینصورت چه قدر جای تامل وتعجب است عادت ورسم آنهائیکه مدعی تمدن وتربیت‌اند از یکطرف اعتقادشان بر اینست که در همه چیز طبیعت رهنمائی میکند از طرف دیگر خارج از مجری طبیعت شب تاریک وخلق بی صدا را

لابدّا باید هر زنیکه یکدفعه سقط کرده باشد در زمان حمل بعدش
از کلیّهٔ موجبات سقط اجتناب نموده بمحض احساس یکی
از علائم سقط بخصوصه نزف الدّم فصد نماید

(۳) امتلاء

سابقاً عروض امتلاء در وجود خود مادر را ذکر کردیم حالا
بیان میکنیم تأثرات آن را در وجود جنین اگر امتلاء شدید باشد
رحم منقبض شده ضغطهٔ شدیدی بر جنین وارد می آید که
موجب تغییر وضع طبیعی اعضای جنین گشته بعضی عیوبات
در اعضای آن بعمل می آید مانند اینکه بواسطهٔ صدمات واردهٔ
بر مادر معیوب میشد

نشسته مشغول میشوند روز روشن و گرمی قال و مقال را بجهة خواب
اختیار میکنند با وجود اینکه احدی نمیتواند منکر اینمسئله بشود که روشنائی
و گرما مانع نوم‌اند و تاریکی و خنکی معین آنند
گذشته از اینکه این قبیل اشخاص کلیّه از روح و صفای بین الطلوعین فضول

علاج ممکن است که رفع شر این صدمات را بواسطهٔ فصد
صافن و یا مابض مادر کرد چنانچه عوارض آنها مثلاً از وجود
مادر برطرف میشد همان طور هم محض تخفیف امتلاء ضغطهٔ
واردهٔ بر جنین موقوف شده عیوبات مفروضه صورت
نمی بندد   مطالب فوق از امتحانات یومیّه بدرجهٔ
یقین رسیده است بعلّة اینکه حوامل مبتلا با امتلاء بعد از
فصد معجزنما معاینه میکنند که قلق و اضطراب آنها زایل شده
و حرکت جنین که قبل از فصد ضعیف شده بود بلکه گاهی احساس
نمیشد قوّت میگیرد و اگر فصد نکنند گذشته از زحمت و اذیّت
خودشان اولادشان معیوب الخلقه متولّد میشوند

معتدله محروم‌اند چه قدر ناشایسته و بی اعتدالی است در مملکت ایران
مخصوصاً بجهة خواص که مرجع عامّه‌اند   مختصر هیچ چیز مانند خواب شب
راحت و لذیذ نیست و برعکس هیچ چیز مثل بیخوابی پرزحمت و ناسازگار
نیست بجهة همه کس اتفاق افتاده و یا اینکه دیده و یا شنیده که شخص بیخوابی

تأثیرات علل غیر الحمل حامله در وجود جنین

مختلف است بعضی موجب هلاکت جنین میشوند بواسطهٔ
سمیتیکه در خون مادر پیدا شده انرا فاسد میکند مانند جدری
(آبله) وحمای زرد وکوفت وغیرها بعضی دیگر هستند که موجب
هلاکت جنین نمیشوند ولی حجم بدنش را صغیر ومزاجش را
ضعیف می کند ویا اینکه سبب سقطان میشوند مانند
وجع المفاصل وذات الریه وذات الجنب ومطبقه

تأثیرات علل قبل الحمل فی وجود الجنین

امراضیکه اغلب از مزاج مادر بمزاج جنین تأثیر کرده موجب سقط
وسرایت جنین ویا اینکه موجب استعداد ابتلای آن بعد از تولد

از مال وجان وعرض خود میگذرد

علامات غلبهٔ خواب طبیعی

وقتیکه روشنائی روز برطرف شد تاریکی شب برقرار گشت شخص احساس خستگی
عام نموده حرکت برای او دشوار شده حواسش بطوء وبلادت بهم رسانده ذهنش

خواهد شد عبارت اند از مرض سل ریه وخنازیر وکوفت واغلب
امراض عصبانی مانند دلدرد وهستری وصرع وامراض
تشنجی وجنون وغیره وهکذا امراض جلدی وسرطان و
مرض نقرس وامراض حصوی (مانند ریگ مراره وکلیه ومفاصل
ومثانه وغیره) مقصود ما از این بیانات نه اینست که علل
مذکوره حکماً بدون تخلف تأثیرات فوق را می بخشد بعلت
اینکه خیلی دیده شده است که مادر مبتلای علل وامراض
فوق الذکر بوده ولی جنین صحیح المزاج بدنیا آمده وما دام
الحیات مبتلا بعلل وامراض مادری خود نگشته بلکه مقصود
اینست که اگر آثار علل فوق الذکر در رحم ویا بعد از تولد

گذر گشته پلک های چشمش روی هم افتاده گوشهایش سنگین گردیده خواب
غالب آید زمانیکه شخص خسته شده خواب کاملی کرد بعد بیدار شد می فهمد که
چه قدر راحتی بدن وزکاوت حس وفطانت مشعر بجهته او حاصل شده است
که ذهن وضمیر خود را مانند آینه صاف دیده خود را مثل مرغ زیرک مستعد

بجهة اولاد اتفاق افتد سبب همان علل وامراض مادراست

خاتمة الکتاب در بیان انفعالات نفسانی

ازانجائیکه ضعفا ناث نسبت بذکور زکی الحس و مستعد
بتحریکات عصبانی وتاثرات نفسانی هستند وحمل هم تغییری
برحالت انها می افزاید فلهذا درحالت حمل بعضی حالتهای غیر
معتاد از انها مشاهده میشود که خالی ازغرابت نیست مثلا
در بین کمال میل و محبت که نسبت بشوهر خود دارد یکدفعه
بدون جهة بغض وعداوتی در دلش پیدا میشود که خودش
هم در تعجب است که چرا چشم دیدن شوهر خود را ندارد
کاهی هرکز از هیچگونه عجایب وغرایب متعجب نمیشوند واز هیچ

پروا نمی نگارد

اینکونه لذت وراحتی ازخواب برای شخص در صورتی حاصل میشود که غیر
ازخستگی وبیخوابی خیال علیحدهٔ نداشته باشد اما اگر فکر وخیالی ویا
یکی از انفعالات نفسانی بجهة او دست دهد مانند فرح وشعف و

چیز مرغوب قشنك مسرور ومحفوظ نمیشوند ازجمله غرایبکه
خودشان نقل میکنند اینست که کاهی بی اختیار حالت
اختلاس وسرقت بانها دست داده میل بدزدی کرده از
خانهٔ همسایهها چیزهای خیلی کم قیمتی را میدزدند با
وجود اینکه ذاتا ازاینکونه ناروا ها مبرا بوده اند وهرچه
که سعی میکنند که اینحالت مذمومه را ترك کنند نمیتوانند

جنون حملی

کاهی ندرتا بعضی اززنان ابستن را اختلال مشاعر عارض
میشود که جنون حملی مینامند علامات اختلال شعور و
حواس ازقبیل وسوسهٔ در امور وخفقان وخنکی در رسوما

وخوف وحزن لابدا خوابش برده بین النوم والیقظه حالت تململ
پیدا کرده کاهی بواسطهٔ فکر وخیالی که دارد مشغول اضغاث احلام
بوده کاهی بواسطهٔ فی الجمله صدمه وصدا بیدار شده احساس
بیخوابی میکند.

وکارهای عجیب وغریب از انها صادر و مشاهده میشود ولی
خوش بختانه اینحالت خیلی کم اتفاق می افتد

تاثیر انفعالات نفسانیه امّهات در جنین

بعضی محض اینکه میانهٔ اعصاب مادر وجنین ربط وبستگی
ثابت کنند میگویند که مکرّر از حوامل موثقه شنیده
ایم که میگویند وقتیکه در حالت وبار میل مفرطی بما کولی
داشته باشیم اگر بخت مساعدت کند ما ان چیز مطلوب و
مرغوب را تحصیل کرده بخوریم معاینه احساس میکنیم که
جنین یک حرکت ملایم مسرورانهٔ میکند وبرعکس اگر از
تحصیل ان مایوس باشیم در همان ان یاس جنین حرکت عنیفی

شخص باید خوابگاه مسقوف ومحفوظ اختیار نماید که از صدمهٔ تغییرات جوی
واز ایذای هوام وحشرات موذی در امان باشد وهرگز روی دوشک
خیلی نرم وکلفت وفرش سفت وزبر نخوابد
اینکه بعضی موی سر خود را تراشیده عوض ان از پشم وپوست حیوان دیگر

عنیفی میکند وبعد معیوب الخلقه وناقص الاعضا متولد
میشود

عقیدهٔ مؤلف

صاحب ذوق سلیم بنا باید اینگونه حرفها را بجهه اثبات
مسائل مشکلهٔ علمی دلیل وبرهان قرار بدهد بعلّة
اینکه اوّلا اغلب اوقات حالت وبار حوامل قبل از حرکت
امدن جنین عارض میشود ثانیًا اینکه همه روزه مشاهد
میکنیم که زنان حامله از مطلوب ومرغوب حالت وبار
خودشان ممنوع میشوند ویا اینکه اصلا مقدورشان
نمیشود که انها را تحصیل نمایند واولاد انها بدون عیب و

شب کلاه ترتیب میدهد وبرخی با شال گرو سا روی علیحده سر خود را پیچیده
گرم ومحفوظ میدارد ویا سر خود را زیر لحاف کرده محکم می پوشد منافی حفظ
صحّت است (افسوس که این مختصر وسعت ذکر وبیان دلیل اینگونه مطالب را
ندارد) وقت خواب باید بند کمر ویخه واستین وغیره را باز نموده هرچه

نقص بدنی نمی‌یابند
پس اگر زنان حامله اینچنین فهار را در حالت حمل میگویند محض
برای اینست که مطلوب و یاری انها را از انها مضایقه
نکنند و یا اینکه بواسطهٔ اختلال مشاعری است که در حالت
حمل بجمهٔ انها دست میدهد و اگر چنانچه بعد از حمل میگ
میگویند بواسطهٔ اینست که در ایام حمل بی احتیاطی کرده
ضربه و یا سقطه بر شکمش وارد اورده ولدش معیوب
الاعضا متولد شده حالا اینچنین فهار را محض عذر ترتیب میدهند
و یا اینکه بدون اینکه صدمهٔ ظاهری بر ایشان وارد بیاید
و میبینکه اولاد خودشان را ناقص الاعضا و معیوب الخلقه

لباس سنگین و پشمی است در آورد و الا گذشته از اینکه راحت نمیشود مو
موجب تعویق عمل اعضا و احتقان انها می باشد

خوابیدن دو نفر در یک رخت خواب هرگز صحیح نیست اولا اینکه نشر
حرارت و تنفس طرفین موجب بیخوابی و ناراحتی یکدیگر است ثانیا اینکه

می بینند هرچه فکر میکنند که سبب ان چه باشد عقلشان
بجائی نمیرسد حدس بر عدم نیل مرام ایام ویار میکنند
البته انچکه ما در این مبحث بسط و تفصیل دادیم نزدیک
بعقل و قریب بصواب است بعلهٔ اینکه روزی نیست که
ماها میل مفرطی بخوردن چیزی نداشته باشیم و یا بچیز
مطلوب خودمان نرسیم کجا رسد که زنان حامله باشند
پس معلوم میشود انچکه زنان حامله یاس و عدم نیل مرام
خودشانرا اسباب عجایب خلقت و غرایب اولادت و علت
عیب و نقص جنین میدانند هرگز کلیهٔ ندارد و از این
طرف نمیتوانیم ادعای قطع و یقین نمائیم بر اینکه حصول بعضی از

گاهی حادثه از یکی صدور یافته موروث نفرت و برودت ان دیگری گردد
بخصوص در ایام حیض زنان که تقریبا ثلث ماه را مبتلا هستند
گذشته از همهٔ اینها ملامسهٔ بدن موجب ثوران شهوت است ثم
مقتضی جماع مفرط است جماع مفرط هم از جملهٔ مضرات خطیرهٔ صحت و از

عوارضات خلقیه که نسبت بتأثیرات نفسانی حوامل میدهند
بکلّی باطل و بی اصل است چنانچه حقیر در مدّت ده سال ایام
طبابت خود خیلی وارسی و تفحص در این مسئله کرده بعضی روایات
و حکایات از وقوع اینگونه اتفاقات در این صفحات که نسبت
آنها را بعدم نیل مرام حوامل و یا نگاه کردن بعضی منظرهای
کریهه و هیکلهای مخوفه و یا بعقاید مذهبی میدادند شنیده
و دیده ام از آنجمله چند سال پیش از این در دار الخلافه طهران صانها
الله عن الحدثان ضعیفهٔ پسری زائید سرش انقدر گوشت فراوان
داشت که روی کلّه و اطراف سرش را فرا گرفته تا بنا گوش او بخته بود چشمان
درشت و چهره و رخسار زشت و تیره و بینی پهن و کنده و لبان

و از اسباب عقم و یا عقیم شدن مرد است

وضع خوابیدن بسته براحتی شخص نائم است ولی از آنجائیکه ممدوح شرع
شریف و مختار انبیای سلف و موافق حکمت صحیح است باید بطرف راست
خوابید نه بطرف چپ و پشت و دمر زیرا هر کدام از این اوضاع سه گانه

برجسته و فرو هشته و دندانهای ریز و تیز و بهم بسته داشت
شکمش از سینه گذشته بر زنخ چسبیده بود ساق و ساعد کمان
آسایش دیدهٔ تماشائیان را با تیر حیرت دوخته بود از دست
راست کج و معوجش با دو پای خم و پیچش هیجده انگشت رسته
بود

هزاران افسوس بسکه شوخ و شنگ بود و مقبول و ملوس
چشم زخم خورد چو بلای ناگهان درگذشت و انگهی بحکم هر
هرچه تند و تیز کند نپاشد در او ردش از کور و عکاس ببند اختش
عکس باری چون مؤلف از وضع حال این بچه مسبوق
بودم یکی از عکسهایش را تحصیل کرده داشتم تا این روزها که مشغول

شخصی است اهل ناپل لقبش نابش گوننه (بمنزلهٔ لفظ خان) اسمش موسئو فورنه
چون بیست سال قبل مملکت ناپل بواسطه
انقلاب داخلی خود از استقلال افتاد
ضمیمه دولت ایطالیا گردید این شخص
آمد بعالم طرش تا اینکه پانزده سال
قبل سفارتنامه از امپراطور الرش
گرفته آمد بمملکت ایران که رئیس اداره
نظمیهٔ طهران شده صاحب منصب
مواجب گشته بود که دو سال پیش
ریاست نظمیه از او خلع گشت

اخری بواسطهٔ چندین جهت معوده مضرّند تا عیب طرف چپ اوّلا بواسطهٔ اینست که
قطعه این ریه که بزرگتر از قطعه ایسر است روی قلب افتاده فی الجمله مانع از حرکات
و ضربات طبیعی آن خواهد شد ثانیاً اینکه اگر قبل از اتمام هضم معده بخوابد
کبد روی معده و بوابات افتاده لا بدّاً باعث عسرت و زحمت

تشویش این اوراق بودم بخاطرم رسید که از آن زن تحقیق
نمایم که آیا در ایام حمل و وضع حادثهٔ بجهة او اتفاق افتاده
بود و یا نه بوساطت موثقه تحقیق شد گفته بود که هیچ
کدام از اینمطالب که میگوئید برای من اتفاق نیفتاده بود الا
اینکه انعقاد نطفهٔ آن بچه بواسطهٔ مجامعت شب تاسوعا
شده بود و من هم تمام ایام حمل که یکسال طول کشید در ترس و
تشویش بودم که چرا ما احترام آنشب را ترک کرده اقتضای شهوت
نفسانی را بعمل آوردیم تا اینکه بچه آنطور بدنیا آمد آنوقت
من بشوهرم گفتم دیدی ترک احترام شب تاسوعا چه اثر در
اولاد ما کرد شوهرم گفت که نه سبب این است بلکه من یک

خروج و خالی شدن کیموس (مهضوم معدی) میباشد اینحالت هم
موجب احلام اضغاث و کابوس (بختک) (دره باسمان) و استیقاظ فجأة
(پریدن از خواب) و صیحهٔ نائم مخصوصه در اطفال میگردد
اما منکوب و روی شکم خوابیدن مانع از حرکات احشای جوف بطنی و صدری

لاابشت کشته بودم او سبب اینکار شد مختصر میانهٔ ما
اختلاف شد و همین طورها در زد و خورد بودیم تا شب عاشورا
دیگر که مستعد لقح (آبستن شدن) بودم شوهرم بمن گفت
راستی من میخواهم بجههٔ امتحان اینمطلب امشب با تو مقاربت
کنم من هم محض تجربه تمکین کردم قضارا آنشب آبستن شدم
و همان طور متصل در فکر و خیال بودم که ایندفعه اولاد ما
چه شکل خواهد شد وقتیکه مدت ایام حمل از نه ماه گذشت
اضطراب من بیشتر شد تا اینکه مثل ولی بعد از انقضای
یکسال تمام بچهٔ زائیدم که دو سر داشت و مانند حیوان
صاحب سم بود و فوراً تلف شد دیگر بکسی اظهار نکرده دفنش
کردیم بعد توبه و انابه نموده در موقع علیحده مقاربت کردیم همین

و تقویت عملاً آنها در عموم اشخاص بوده مورث ضغطهٔ رحم حوامل و سنگینی
آن بمعبر اوردهٔ پاها (رودی رباط فلابی) که منتج مرض دوالی و محدث
هیجان نسوان آبستن است میشود اما قفا و پشت خوابیدن باعث احداث

دو نفر اولاد صحیح و سالم که می بینید خدا بعد از انها برای ما کرامت فرمود چون خالی از مناسبت نبود از روی عکس اصلی صورت بچهٔ عجیب الخلقه را تصویر کردیم

منجر باکثر اشخاص و موروث در ورود امتلای اوردهٔ معاء مستقیم کلیهٔ بواسیرها و باعث بهذیان در حوامل و موجب نعوظ در صنف ذکور میشود

ولی هرچه جویا شدم که شاید بجهة اینکونه نسبتها دلیل علمی در تصانیف دانشمندان علم فزی یلوژی و غیره پیدا کنم برهان صحیحی که عقل سلیم قانع ان بشود بنظر قاصر نرسید غایت ما فی الباب انچه فزی یلوژیستها درین خصوص میکویند اینست که انفعالات نفسانیهٔ حوامل بیکدرجهٔ محدود و معینی در وجود جنین اثر میکند (حوادثی که موجب اینکونه تاثرات میشوند عبارتند از منظرهای کریهه و هیکلهای عجیبه و اصوات شدیده و سایر حوادثات فجائیه) چنانچه موجبات مذکوره در قوهٔ متخیلهٔ حوامل (خواصه در خوابین غیر متمدنه) اثر میکند بنحویکه موهای انها

سبب اینکه بعضیها خیلی خواب می بینند برد و قسم است اولا بواسطه استعداد مخصوص که در مخ انها است ثانیا بواسطهٔ شغلیکه دائم محتاج بفکر و خیال اند چنانکه اینکونه اشخاص اغلب مناسب فکر و متعلق خیال خودشان خواب می بینند و بعضی چیزهای دیکر هم هستند که موجب ازدیاد و نفوذ اینکونه اسباب میشوند مانند امتلای معده

بلند شده بحریك وتنبیه درحواس انها پیدا میشود بحدیکه
جنین دررحم انها ازانحالت منفعل ومتاثر میشود
ولی ازشرایط اینکونه موجبات مؤثره انستکه ازیکنوع باشد
ومکرر اتفاق بافتد ونظر وتوجه حوامل بان طول و
امتداد پیدا نماید تا اینکه در متخیلهٔ انها طبع ونقش هرسا
وبعضی از مورخین تاریخ طبیعی نوشته اندکه ازقرار
تحقیقات معلوم شده استکه هرکز بجهة بعضی اززنان
حامله بحمل اولاد ممسوخه هیچکونه حوادثات غریبه و
موجبات مؤثره اتفاق نافتاده ولی بجهة اغلب انها درما
های اول حمل حوادثی اتفاق افتاده که موجب اضطراب خیلی

وعسرت هضم وبعضی حالت عصبانی وغیره (اشخاصیکه اسباب موجبه معده مذکوررا
ندارند خیلی کم خواب می‌بینند بلکه بعضی هیچ نمی‌بینند) درهرصورت کلیهٔ عالم خواب بر چهار قسم است
یکی اینکه باکمال آرامی وبازالحمله ترتیب دیده میشود که رؤیا نامند دوم اینکه با حالت هذیان وصیحه ونزع
وبلاترتیب دیده میشود اضغاث احلام میکویند (بعضیها اهتمام زیاد دارند که خوابرا تعبیر کنند چنانکه

شدیده وباعث تحریك وتنبیه حواس انها بوده اختلال
عظیمی درعقل انها روی داده مبتلا بهم وغم عظیمه
واوهام مخوفه میشوند که ما میتوانیم نسبت مسخ جنین
انهارا باینکونه تاثیرات بدهیم
مختصر اینهمه اختلاف واضطراب بیانات دانشمندان
وتشبث ما بحکایات وروایات زنان محض اینستکه در
زمان حالیه علم انسانی بحدی نرسیده استکه کما ینبغی
ازعهدهٔ تحقیقات اینکونه مطالب برباید والله اعلم
بالصواب وهو المرجع والماب
اکرچه ترتیب تالیف وتکلیف مؤلف براین بود که بعد ازاختتام

هرچه معتقد خود میدانند حمل بر واقع کرده منتظر بر وقوع ان میشوند هرچه مضر خود
می انکارند حمل بر خلاف ان نموده خودرا تسلی میدهند هرکز این اطوارها مشروع نیست زیرا
خدا علم مغیبات را مختص بذات پاك خود فرموده (لا یعلم الغیب الا الله) در اینصورت
تکلیف انستکه اکر خواب خوب دیده استغاثه از رب العزة نماید که خواب او را بصورت تعلیب ناود

تدبیر الحوامل محض ارشاد اولی النهی فی الجمله از مسائل متعلقه بزمان طلق
ومخاض (درد زه) ووضع حمل وفراغت حوامل وحضانت
مولود ومواظبت نفاس (زاهو) وبرخی از مطالب متعلقه
بارضاع وفطام وامراض مخصوصه باطفال جدید الولاده
وتربیت آنها ذکر شود ولی از آنجائیکه بعضی از مسائل اولیرا
سایرین در رسائل متفرقهٔ خود شان ومطالب ثانویرا
عمدة الاساتید دکتر محمد کرمانشاهانی بطور تفصیل در
کتاب امراض اطفال خود که فی الواقع یکی از نسخه های نفیس فن
شریف طبابت است نوشته بودند فلهذا ذکر واعادهٔ
آنها را لازم ندانستیم پس هرکس محتاج شد رجوع بآنها نماید

اگر خواب بد ببیند بطرف چپ گردیده بگوید اللهم انی اعوذ بک من منامی هذا
ان یضرنی فی دینی او دنیای وبر هیچکس هم نقل نکند انشاء الله بد وبلا از او
دور است) سیم کابوس وآن حالتی است که نائم در نصف اول شب می بیند شخص عظیم الجثه
با عفریته ویا جانوری مهیب ودرنده ویا صاحب هیکل خیلی مهیبی سوار سینه او شده بنوعیکه قریب است اختناق

وهرچه زور میزند که حرکت کند ویا فریاد نماید قادر نبوده هراسان شده عرق عرق
میشود مبتلای اینحالت را باید از خواب بیدار کرد واگر طفل است تسکین داد بعد
بحسب سبب مرض از قبیل سوء هضم ووضع خواب تدبیر نمود که مبادا منتهی بصرع و
یا جنون شود چهارم جولان نائم ویا استیقاظ نومی عبارت است از اینکه شخص
نائم بیک دفعه از رخت خواب پا شده در حالت نوم وظلام هالک بعضی کارها
میکند که هرگز در حالت بیداری وروشنائی قادر بر آنها نیست مانند
حل کردن مسائل مشکلهٔ علمی ونوشتن آن بروی کاغذ وراه رفتن بروی
دیوار خیلی بلند وباریک وغیره این قبیل اشخاص را نباید در بین بعضی
صور خطیره بیدار کرد بلکه خوابگاه آنها را جای محفوظ قرار دهند که نتوانند
بیرون رفته بخطر افتند پس معلوم میشود که وجدان نوعی ماوراء وجدان یقظه است
(اتزعم انک جرم صغیر وفیک انطوی العالم الاکبر) چنانچه انکشافات اطبای
فرنگستان درباب نتایج نوم مصنوعی مانند مشاهدهٔ جریان قوهٔ مقناطیسی و
سیال کهربائیه ودرک لون آنها مبنی بر این مسئله است تم الکتاب
فی یوم تاسع عشر من شهر رجب المرجب سنه احدی عشر وثلثمائه بعد الالف (١٣١١) بید اقل الکتاب علی اکبر طالقانی

مؤلف دو رساله دیگر هم تألیف کرده امیدوار است
که انشاء الله تعالی عنقریب بحلیه طبع برسد

(۱) وسیلة السّلوك فی غذاء الملوك (مختصریست
مخصوص بمرض نقرس و مفید در امزجهٔ حصوی
رماتیسمی)

(۲) منتخب الصّنایع والفنون (مختصریست که
بطرز خیلی ساده برخی از مطالب مجرّبهٔ پارهٔ صنایع
در او ذکر میشود و بعبارات هرچه واضحتر شمّهٔ
از مسائل مفیدهٔ بعضی علوم گفتگو میگردد)

اعلان

محل فروش کتابهای مؤلف در سبزه میدان
اوطاق تجارتی مقرّب الخاقان قاسم
خان تاجرباشی دولت بهیهٔ روسیه
خواهد شد